

با بیماری در قدرت

سرمداران مریض و پریشان احوال در ۱۰۰ سال اخیر

www.ketab.ir

سرشناسه: اوئن، دیوید، ۱۹۳۸ - م.

Owen, David

عنوان و نام پدیدآور: با بیماری در قدرت: سردمداران مریض و پریشان احوال در ۱۰۰ سال اخیر / دیوید اوئن؛ ترجمه صنجان صدیقی.

مشخصات نشر: تهران: فرهامه، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۵۶۴ ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

فروست: انسان‌شناسی سیاسی

شابک: 978-600-828439-0

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی:

In sickness and in power: illness in heads of government during the last 100 years, c2008.

عنوان دیگر: سردمداران مریض و پریشان احوال در ۱۰۰ سال اخیر.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: روسای دولت -- سلامتی و بهداشت

Heads of state -- Health and hygiene

موضوع: روسای دولت -- سلامتی و بهداشت -- تاریخ -- قرن ۲۰م.

موضوع: Heads of state -- Health and hygiene -- History -- 20th century

موضوع: روسای دولت -- سلامتی و بهداشت -- تاریخ -- قرن ۲۱م.

موضوع: Heads of state -- Health and hygiene -- History -- 21st century

موضوع: فدرالیسم -- تاریخ -- قرن ۲۰م.

Federal government -- History -- 20th century

موضوع: فدرالیسم -- تاریخ -- قرن ۲۱م.

Federal government -- History -- 21st century

شناسه افزوده: صدیقی، صنجان، ۱۳۶۵ - مترجم

شناسه افزوده: Sadighi, Sanan

رده‌بندی کنگره: ۴/RC۴۵۱

رده‌بندی دیویی: ۸۹/۶۱۶

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۰۵۹۳۶۷

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Owen, David (2008) *In Sickness and in Power: Illness in Heads of Government during the Last 100 Years*, Praeger.



www.farhameh.ir
farhameh@gmail.com

۸۸۴۳۶۲۹-۰۹۱۰۴۵۱۷۲۶۱

با بیماری در قدرت

پس‌دمد آن مریض و پریشان احوال در ۱۰۰ سال اخیر

© حق چاپ: اول، ۱۴۰۰، فرهامه

نویسنده: دیوید اُون

مترجم: صنعان صدیقی

ویرایش: واحد ویرایش مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

طراحی جلد: اتلیه مؤسسه عصر انسان‌شناسی ایرانیان

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

© همه حقوق برای انتشارات فرهامه محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی و پی‌دی‌اف و سایر اشکال دیجیتالی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است. این کتاب با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

فهرست

- دییاجه ۹
- سپاس‌گزارى ۱۵
- مقدمه ۲۱
- بخش اول: سردمداران مریض و پریشان‌احوال در سال اخیر ۴۳
۱. ۱۹۵۳-۱۹۰۱ ۴۵
۲. ۱۹۵۳-۲۰۰۷ ۱۲۷
- بخش دوم: نمونه‌های تاریخی ۱۹۳
۳. بیماری نخست‌وزیر ادین و ماجرای کانال سوئز ۱۹۵
۴. وضعیت سلامتی رئیس‌جمهور کندی ۲۴۱
۵. بیماری پنهان شاه ۳۱۳
۶. سرطان پروستات رئیس‌جمهور میتران ۳۵۳

دیباچه

آدم خودبزرگ‌بین نسبت به هر نوع آسیبی که به وجود می‌آورد بی‌اعتناست، چراکه این فرد دلیلی برای اعمالش دارد؛ او نه احساس گناه دارد و نه شفقت و دلسوزی و حتی از فکر کردن به جرمین خسارت نیز ناتوان است.

جاستین فرانک^۱

به احتمال بسیار زیاد خوانندگان این کتاب از مسلمانان من هستند، یا یک نسل پایین‌تر یا یک نسل بالاتر. آنچه میان همگی ما مشترک است تجربه‌ی زیسته‌ی ماست از دنیای سیاست؛ دنیایی که زحمت‌ترین، خشن‌ترین، تلخ‌ترین و بی‌منطق‌ترین تجربه خود را بارها و بارها به ما نشان داده است. همگی ما به‌دفعات از مشاهدات خود طی حوادث سیاسی و تاریخی معاصر خود، مبهوت و مسحور شده‌ایم و آنچه را که در شرف تجربه‌کردنش بوده‌ایم باور نداشته‌ایم و ذهن و قضاوتمان در برابر طلسم خشک‌مغزی حاکمان، بی‌دفاع و درمانده نظاره‌گر بوده است. حاکمان زیادی را دیده‌ایم - چه هزاران کیلومتر دورتر چه بر گوش خودمان - که عریان و بی‌مهابا دندان‌های تیز و چنگال‌های برآشان را به رخمان کشیده‌اند. همان‌هایی که هیچ منطقی بر رفتارشان حاکم نبوده و خرد جمعی از تحلیل آن‌همه خودشیفتگی و بی‌مسئولیتی در بهت و حیرت مانده و ناتوان در پاسخ به پرسش‌هایی نظیر این: «اینها دیگر

1. Justin A. Frank, *Bush on the Couch: Inside the Mind of the US President* (London: Politico's, 2006), p. 202.

که هستند؟ دیوانه‌اند؟ چه می‌شود که چنین عنان از کف می‌دهند، افسار می‌درند، مدهوش قدرت می‌شوند، و سرمست و شیدا سرنیزه در هوا می‌چرخانند؟ چه بر سرشان آمده؟ چه کودکی‌ای داشته‌اند؟ بحران‌های بلوغشان چه بوده؟ در چه بستری تربیت و آموخته شده‌اند؟ و عقده‌هایشان تا چه حد پیچیده است؟»

خواننده‌ی کنجکاو و مشتاق به دنبال پاسخ‌های علمی و کاربردی برای چنین پرسش‌هایی است و بهترین مرجع پاسخگویی نه فقط یک روان‌شناس، یک متخصص مغز و اعصاب، بلکه سیاستمداری کهنه‌کار و باتجربه است که همه‌ی اینها با هم در نویسنده‌ی این کتاب جمع شده است. دیوید اُبن پاسخ‌های صریح‌تر به این‌گونه پرسش‌ها را در جاهای دیگر داده است.^۱ او نیز همچون بسیاری دیگر از سیاستمدارهای آشنا و بیگانه، به دنبال بازنشستگی و اتمام وظایف و اعمالش، منشی بالایی‌اش را به خود گرفته و صرفاً به نقد آن دیگران (و نه خود و پیشینه‌اش) می‌پردازد. او برخلاف تصورش - که در این کتاب بیان داشته - بیشتر سیاستمدار است تا پزشک و این البته بدیهی است چراکه خودش (جز شش سال از عمرش) طبابت نبوده و همین امر در نحوه‌ی نگارش این کتاب مشهود است. او از ترکی سیاسی خود استفاده می‌کند و با ابزار خود پزشکی از اظهارنظر صریح و مستقیم در خصوص همین پرسش‌های همیشگی یعنی علت‌یابی رفتارهای خودخواهانه و گاه دمنشانه‌ی حاکمان تحت عناوینی چون «دیوانگی» و «حماقت» و «خشک‌مغزی» طفره می‌رود. او رفتارهای جامعه‌ستیز، ناهنجاری‌های خاص شخصیتی و جنون خودبزرگی^۲ حاکمان را به «توهم عظمت»^۳ در ایشان محدود می‌کند. او می‌نویسد: «حرفه‌ی پزشکی شاید از واژه‌ی (خودبزرگی‌بینی) استفاده نکند، اما این بدان معنا نیست که هیچ‌کس دیگری هم نباید از آن استفاده کند. خودبزرگی‌بینی می‌تواند یک خطر شغلی برای سیاستمداران باشد، و بروز آن به شکل پیشرفته، یعنی نخوت، یک موضوع مطالعه‌ی منطقی برای حرفه‌ی پزشکی می‌باشد. (نخوت) هنوز به یک واژه‌ی

1. David Owen, *The Hubris Syndrome: Bush, Blair and the Intoxication of Power* (London: Politico's, 2007); David Owen, 'Hubris Syndrome and Hubris trait', Speech to the Royal College of Psychiatrists, 20 January 2016. www.lorddavidowen.co.uk

2. megalomania

3. delusions of grandeur

پزشکی بدل نشده است. پایه‌ای‌ترین معنایی که در یونان باستان شکل گرفت، تنها توصیفی از یک عمل بود: عمل نخوت‌آمیز عملی است که در آن یک شخصیت قدرتمند، که وجودش مملو از غرور و اعتمادبه‌نفس بی‌حدوحصری شده، با دیگران با اهانت و تحقیر رفتار می‌کند. لذتی که فرد در یک عمل نخوت‌آمیز جستجو می‌کند در نشان دادن خود به عنوان فردی برتر نهفته است.»

نقطه‌ی عطف دانش و بینش اُون، پیشنهاد او برای شناخت یک بیماری خطرناک تحت عنوان «سندروم نخوت»^۱ است. او پیشتر در مقاله‌ای به طور مبسوط و عالمانه به تشریح فرضیه‌ی خود پرداخته است.^۲ او به توصیف نخوت و حالت نخوت‌آمیز از دید دیویدی ای کوپر فیلسوف اشاره می‌کند، یعنی: «اعتمادبه‌نفسی بیش‌ازحد، رویکردی «فرت‌انگیز» به قدرت، انکار پیشگیرانه‌ی هشدارها و نصیحت‌ها، و خود را الگو پنداشتن».^۳ و صراحتاً می‌نویسد: «من برآتم دریابم که آیا چنین رفتار نخوت‌آمیزی در میان رهبران سیاسی را می‌توان به گونه‌های مشخص شخصیتی مرتبط دانست که زمینه را برای فرد آماده می‌کنند تا رفتار نخوت‌آمیزی از خود نشان دهد؛ و آیا، حقیقتاً، چنین تیپ‌های شخصیتی‌ای در کسانی که آن را دارا می‌باشند این تمایل را به وجود می‌آورد که وارد حرف‌های بی‌عقل سیاسی شوند؟ حتی از این هم جالب‌تر اینکه آیا برخی از رهبران سیاسی که چنین تیپ‌های شخصیتی‌ای ندارند، ممکن است، با وجود این، تنها در نتیجه‌ی اینکه در قدرت هستند به رفتار نخوت‌آمیز مبتلا شوند؟ به عبارتی دیگر، آیا خود تجربه‌ی در قدرت بودن می‌تواند تغییراتی را در حالت‌های روانی به بار بیاورد که بعدها خودشان را در قالب رفتار نخوت‌آمیز نشان دهند؟» او در ادامه علائم و نشانه‌هایی از این سندروم را فهرست می‌کند که در نوع خود بی‌نظیر است (به مقدمه‌ی کتاب مراجعه کنید). تلاش اُون مشخص کردن ارتباط احتمالی این سندروم با شخصیت فردی (و اجتماعی) حاکمان مبتلا به آن است. به قول خودش: «قدرت داری مستی‌آوری است که همه‌ی رهبران سیاسی شخصیت بنیادی لازم برای مقابله با آن را ندارند.»

1. Hubris Syndrome

2. David Owen and Jonathan Davidson, 'Hubris Syndrome: An acquired personality disorder? A study of US Presidents and UK Prime Ministers over the last 100 years'. *Brain* 2009; 132:1396-1406.

3. David E. Cooper, *The Measure of Things: Humanism, Humility, and Mystery* (Oxford: Clarendon Press, 2002), p. 163.